

تظاهرات در محکومیت همدستی ILO با جمهوری اسلامی علیه کارگران!

حکمتیست

۲۱۱

۴ ژوئن ۲۰۱۸ - ۱۴ خرداد ۱۳۹۷
دوشنبه ها منتشر میشود



در طی این هفته، سازمان جهانی کار (آی ال او) کنفرانس سالانه خود را برگزار کرد و همراه با نمایندگان جمهوری اسلامی و کارفرمایان، جمعیتی از نمایندگان دست گمارده حکومتی را، تحت عنوان نمایندگان کارگران ایران، پذیرا شد. قبول این به اصطلاح نمایندگان کارگران در صد و هفتمین کنفرانس اینس آژانس سازمان ملل، باری دیگر، مورد اعتراض اتحادیه های کارگری، فعالین کارگری و کمونیستها قرار گرفت. امسال پنج اتحادیه و سندیکای فرانسه، فراخوان اعتراض به جمهوری اسلامی و بی حقوقی کارگران ایران را در ژنو دادند.

این فراخوان و اعتراض روز ۲۹ ماه مه مورد استقبال وسیعی قرار گرفت. علاوه بر این پنج اتحادیه و فعالین کارگری و سازمانها و احزاب اپوزیسیون در این تجمع شرکت کردند. فعالین حزب حکمتیست نیز با حضور خود در این تجمع حضور نمایندگان نهادهای ضدکارگری و همدستی سازمان جهانی کار با جمهوری اسلامی را محکوم کردند. محمد راستی از رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی) در سخنرانی خود در این تظاهرات گفت آی ال او، از بی حقوقی کارگران، از زندان و سرکوب کارگران کاملا با خبر و آگاه است، دلیل سکوت اینس

سندیکا ها و تشکلات کارگری که در این کنفرانس شرکت داشتند خواست که به این گستاخی آی ال او اعتراض کنند و خواهان اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی و جا زدن آنان به عنوان نمایندگان کارگران ایران شوند.

سازمان و قبول وعده و وعیدهایی جمهوری اسلامی نشان میدهد این سازمان سوپاپ اطمینانی برای سرمایه و حکومتش در ایران است و هدفشان تامین سودآوری سرمایه در ایران به قیمت بیحقوقی مطلق کارگران است. محمد راستی در ادامه به اعتراضات اخیر و مشخصا دیماه جاری پرداخت و اعلام داشت که این اعتراضات که تا همین حد، جمهوری اسلامی را به ترس و لرز انداخته است، تنها نمای کوچکی از قدرت طبقه کارگر ایران است. قدرتی که با حرکت این طبقه قادر به نابودی کل این نظام است.

تشکلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری (حکمتیست) - خط رسمی، در اطلاعیه خود که در این تظاهرات پخش شد، بار دیگر از تمامی اتحادیه ها،

رویدادهای سیاسی هفته

- ۱- بمباران غزه
- ۲- دولت آبادی؛ آخوند مکلا
- ۳- توصیه های جناب "رئیس"
- ۴- حمله رژیم به کارگران فولاد را پی پاسخ نگذاریم

فواد عبداللهی

۱- جنگنده های دولت فاشیست اسرائیل کماکان نوار غزه را هدف قرار داده اند؛ از زمان شروع اعتراضات و درگیری میان ارتش اسرائیل و مردم نوار غزه در تاریخ ۳۰ مارس، صدها فلسطینی کشته شده اند و هیچ یک از نیروهای اسرائیلی تا کنون آسیبی ندیده اند!! کشتار و تحمیل بی حقوقی کامل به مردم فلسطین، مردمی که از هستی ساقط شده اند، مردمی که بی هیچ تملکی در گتوهای غزه و سواحل غربی رود اردن چیزی برای ادامه هستی خود ندارند، اتفاق جدیدی نیست؛ آنچه جدید است شرایط متفاوتی است که در آن مجددا معضل قدیمی بی حقوقی مردم فلسطین مطرح شده است. آنچه جدید است شرایط تضعیف شده جهانی آمریکای در مقابل کمپ اروپا است که موقعیت استراتژیک دولت اسرائیل بعنوان عزیز دردانه آمریکا در خاورمیانه را نیز به لزره در آورده است؛ امروز دیگر، بسیج افکارعمومی ضد فلسطینی با مستمسک دفاع از اسرائیل کارآیی ندارد. اعتراض هرچند بی رونق "مجامع بین المللی" به کشتار فلسطینیان توسط دولت فاشیست اسرائیل ناشی از این اوضاع است؛ ... صفحه ۲

سخنرانی ها به
مناسبت هفته
حکمت صفحه ۳

فلسطین، از
استقلال تا آزادی!
منصور حکمت صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

رویدادهای ...

انتظار اینکه قدرت های جهانی در مقابل افسار گسیختگی دولت جنایتکار و قوم پرست اسرائیل دست به اقدامی بزنند، پوچ است؛ این توهم مدت‌هاست که ریخته است. امروز دیگر عمق توحش دولت اسرائیل در حق مردم فلسطین، بی نقاب در مقابل چشمان طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در سراسر جهان پرده می‌زند. بارقه های نفرت علیه دولت دست راستی اسرائیل، چه در خود این کشور و چه در سراسر جهان و در همبستگی با مردم فلسطین در حال درخشیدن اند. باید به این جنبش پر و بال داد؛ باید دار و دسته های راست افراطی، رسماً و علناً نژادپرست در اسرائیل را وادار به سکوت و عقب نشینی کرد. این کار طبقه کارگر و بشریت آزادیخواه در سراسر جهان است؛ طبقه ای که میتواند ماشین کشتار امروز دولت اسرائیل را فلج کند؛

نهایتاً خشم مردم فلسطین ناچار است به یک ابراز وجود مستقل از جریانات سازشکار و مرتجع موجود - از سازمان فتح تا حماس و حزب الله - تبدیل شود؛ جریاناتی که دهه هاست نه تنها منفعتی در احقاق

حقوق مردم فلسطین نداشته اند بلکه از آن سود هم برده اند. جریاناتی که با تداوم این ستم، تا امروز نفس کشیده اند.

۲- و عاقبت جناب محمود دولت آبادی خالکوبی اش را نمایان کرد: "به حسن روحانی رای داده‌ام و به همین رای که دادم، احترام می‌گذارم. بنابراین من دعوت ایشان را برای افطار پاسخ خواهم داد... و در این مهمانی حضور خواهم یافت" مراسم "افطار روحانی" با خیل آیت نان به نرخ روز خوری آذین شد که تحت نام "ادبا" و "توسندگان" و "هنرمندان" و "هنرپیشه گان" جامعه ایران، چهار دهه است که از حاکمیت استبداد اسلامی، دکانی به هم زده اند. در این جمع "خوبان" فقط آیت الله خامنه ای آنطرف ایستاده بود! اینها رفته بودند تا اعلام کنند که این دولت و این استبداد با عمامه و بی عمامه، با کروات و بی کروات باید بماند تا بساط امثال دولت آبادی ها کماکان ادبیات و هنر رسمی و قانونی در آن مملکت باشد و "احساسات ملی" و "روح ایرانی - اسلامی" جریحه دار نشود؛ این استبداد باید کماکان

فرهنگ و تمدن و ارزش های جهانشمول انسانی را بزند و بکشد و قدغن کند تا بازار اخلاقیات شرقی و اجناس داخلی مانند کلیدر و سکس زیر پالان خرش از رونق نیوفتند. این نظام بدون این فدائیان اش چگونه مقاومت آقا را به اقتصاد برگرداند؟! چگونه بردگی و حقارت کارگر و زن و انسان را تحت نام "فرهنگ سازی" موعظه کند؟! و چه چیز بهتر از اختناق حاکم این قابلیت را ایجاد میکند که امثال دولت آبادی "روایت" را جایگزین "واقعیت" کند. این طیف تاریخا ابزارهای فکری و فرهنگی حاکمیت اختناق در ایران اند. خمینی و جمهوری اسلامی بر شانه های این سنت عتیق به قدرت رسید.

علامت تشخیص این طیف، گل کردن در فضای اختناق سیاسی است؛ اینها در فضای باز و متمدن و ریلکس شروع به مردن می کنند. عقبنمائی سیاسی این طیف، سنت دولا و راست شدن در مقابل شاه و شیخ، ترویج افکار و سنت های سیاسی و فرهنگی بی ریشه ای که هیچگاه اعتماد مردم را بخود جلب نکرده اند، علامت کمپ شان است؛ این طیف به جامعه و تاریخ و زمانه ما نامربوط است و

خود خبر ندارد. اینها افق و آمال و آرزوهایشان را از ارتجاع و قرون قبل، از اسلام و شرق و بربریت و قبیلله گرابی میگیرند ولی زندگی درد آور و پر تناقض و گاه مسخره شان را در قرن بیست و یک ادامه میدهند. جوک تلخ تاریخ است. سنتی که سابقه اجتماعی تاریخی اش به لوطی ها و جاهل های چند دهه پیش برمیگردد و حالا هم به هم ردیف های "عاقل" و تحصیل کرده و "امروزی" همان جاهل ها، به آخوند ها و بچه آخوندها، بازاری ها، دکتر مهندس های شیفته فرهنگ وحشی و پوسیده ملی اسلامی، نویسندگان زبردست و گرانقدری که "ایرانی را ایرانی کرد"، تمام طرفداران با مطالعه بوی گند خزینه و "فرهنگ خودمان"، تعلق دارد.

این "ادبا"، بخشی از همانها هستند که به کنفرانس برلین آمدند تا از حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا سید محمد خاتمی، لوتر و گاندی و گورباچف درست کنند؛ و هنوز هم سخت شان است که باور کنند چگونه آن "رویا" توسط ما کمونیست ها و آزادیخواهان دود شد و هوا رفت؛ توسط همانها که خدمت بزرگ و تاریخی به

تکامل سیاسی در ایران کردند. برای جامعه ای که از این نظم و نظام و فرهنگ و هنر پوسیده آل احمدی سالهاست عبور کرده، در برابر نسلی که چشم و گوشش بدهکار این دراکولاهای عقبمانده در سیاست و فرهنگ و جامعه نیست، نمیتوان با چماق الله کرم ظاهر شد؛ اگر فکر می کنید که دارید در شهر کورها می چرخید و سیاست بازی می کنید، اشتباه می فرمائید. همانها که در خیزش دیمه جاری از "اصلاح طلب و اصولگرا" عبور کردند، هم اکنون به ریش تان می خندند؛ به زیرتان می کشند. توقع مردم ایران از خودشان، از آزادی و برابری و مدرنیسم و آرمان هایشان بالاتر از آن است که به چماق شکسته اختناق سیاسی و فرهنگی نظام گنبد امثال دولت آبادی ها تمکین کنند.

نیروی هست که هر آن محاسبات این حضرات را بهم میزند. این نیرو چیزی جز ما مردمی که از حکومت مذهبی و تبعیض و اختناق و فقر و بیکاری عاصی شده ایم نیست. تنها نوک کوه یخی از این نیرو خود را در خیزش های دیمه گذشته نشان داد؛ این مردم رادیکالتر و انقلابی تر از آن هستند که بشود راحت سرشان را با "غرور ملی" و "روح ایرانی" شیره مالید.

کارگران جهان متحد شوید!



Mansoor Hekmat Week

4-11 June

در بزرگداشت زندگی پربار
منصور حکمت

هفته منصور حکمت ۱۴ - ۲۱ خرداد

جلسه سخنرانی در لندن بمناسبت هفته حکمت

حزب و مسئله قدرت سیاسی

سخنران: آذر مدرسی

جنبش مجمع عمومی

سخنران: امان کفا

زمان: یکشنبه ۱۰ ژوئن، راس ساعت ۳ بعد از ظهر

مکان: لطفاً با شماره تلفن زیر تماس بگیرید:

۰۷۵۸۱۰۳۷۴۷۳

برگزار کننده: حزب حکمتیست - خط رسمی (واحد لندن)

فلسطین و اسرائیل در گرو سوسیالیسم و سکولاریسم در کل منطقه است. در تشکیل کشور و یا کشورهایی که در آن مردم مستقل از تعلقات و یا تصورات قومی و ملی و مذهبی خویش، بعنوان شهروندان متساوی الحقوق جامعه برسمیت شناخته شوند. استقلال فلسطین کمک میکند که نبرد طبقاتی در اسرائیل و فلسطین هر دو اوج بگیرد. با استقلال فلسطین منطقه به چپ میچرخد.

تحول سیاسی در منطقه را بهبود میدهد. به نفع امنیت کودک فلسطینی و عابر اسرائیلی است. اما آزادی مردم فلسطین، خلاصی مردم اسرائیل از جنایاتی که بنامشان میشود و رهایی شان از موقعیت یک ملت ستمگر، خلاصی هر دو سواز تروریسم و نفرتی که قومگیری و مذهب در هر دو سوی این شکاف دامن میزنند به صرف استقلال فلسطین متحقق نمیشود. آزادی و رهایی در

خواهی در این کشور بطور قطع شکست بخورد. این اتفاق هنوز رخ نداده است. بدون این تعیین تکلیف امیدی به صلح پایدار و یک راه حل عادلانه نیست. یک اسرائیل قومی و مذهبی نمیتواند یکسوی یک صلح عادلانه در منطقه باشد. استقلال فلسطین یک گام مهم به جلوست. این گام نه فقط ممکن است، بلکه اکنون دیگر اجتناب ناپذیر شده است. استقلال فلسطین تناسب قوا و چهارچوب



فلسطین، از استقلال تا آزادی!

منصور حکمت

اکتبر ۲۰۰۰

بروز میکند. کودک فلسطینی ای که در راه مدرسه و یا در آغوش پدر زخمی اش جان میدهد، جامعه غربی را با ریاکاری ذاتی آراء حاکم و خط رسمی رودر رو میکند. جای تردید است که دول غربی بتوانند سالهای بیشتری به این حمایت کور و غیر انتقادی از اسرائیل در مقابل اعراب ادامه بدهند.

در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم در اسرائیل خواهان صلح و رابطه ای انسانی و عادلانه با مردم فلسطین اند. در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم اسرائیل عمق ظلمی که در این نیم قرن بر مردم فلسطین رفته است را میشناسند و به آن اذعان میکنند. اما این کافی نیست. اسرائیل یک راست قومی و مذهبی بسیار قوی و فعال دارد که مرحله به مرحله و در هر قدم افق یک راه حل انسانی را کور میکند. رابین را اعراب نکشتند، اینها کشتند. این راست باید در یک جدال سیاسی داخلی از طبقه کارگر و سوسیالیسم و ترقی

دولت اسرائیل همچنان به جنگ ننگینش با کودکان فلسطینی ادامه میدهد. امروز (۱۶ نوامبر) هشت نفر دیگر از جمله یک کودک نه ساله را با گلوله کشتند. و تازه از خشونت فلسطینی ها به آمریکا شکایت میکنند! بیش از ۹۰ درصد از ۲۴۰ قربانی حوادث اخیر فلسطینی اند و بخش اعظم آنها کودکان و نوجوانان اند. این در قاموس هرکس یک جنایت جنگی است. یک نسل کشی است. این نمونه مجسم تروریسم دولتی است. در حالیکه سران دول غربی و سیاستگذاران رسانه ها همچنان به حمایت یکجانبه از اسرائیل و کتمان این حقایق ادامه میدهند، افکار عمومی در غرب و حتی خود خبرنگاران و گزارشگران غربی به نفع فلسطینی ها و علیه دولت اسرائیل میچرخد. بسیج ضد فلسطینی و ضد عرب در غرب پس از پایان جنگ سرد دیگر به صورت قابل مکن نیست. این شکاف عمیق میان پروپاگاند دولتی و برداشتهای مردم از وقایع جاری فلسطین، دیر یا زود

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

شماره ۳۱۱

حزب حکمت‌پس (خارسمی)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب
@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

ایجاد کنیم، طبقه کارگر را یک گام به اعتلا نزدیکتر کرده ایم. جلب پیشروترین کارگران به صفوف حزب و ایجاد ارتباط عملی میان پیشروان و رهبران طبقه کارگر، آن اقدامات عاجلی است که در دستور کار حزب ما قرار دارد.

می کرد رهبران و فعالین کارگری را در تنهایی و خفا دستگیر و شکنجه و سر به نیست کند؟ هر گامی که ما در جهت از میان بردن این تفرقه میان برداریم، به هر درجه که بتوانیم وحدت و هماهنگی در شعارها و اعتراضاتمان

و مطالباتمان، بدون اتحاد طبقاتی تمام بخشهای طبقه کارگر با هم، از عهده تعرض رژیم سرمایه بر نخواهیم آمد؛ قدرت طبقه ما در شکل و تحزب اوست؛ این اولین شرط ظهور طبقه کارگر بعنوان رهبر و پیشرو جامعه است؛ اگر قدرت لایزال طبقه ما در اتحاد اش است پس نمیتوان به این پراکندگی و پراکنده کاری در مبارزات هر روزه مان رضایت داد؛ ضعف ما در کمبود اعتراضات کارگری نیست؛ ضعف ما، ماندن در محدوده ای است که سنتهای غیر کارگری و غیر کمونیستی تحت نام صنف بریمان تراشیده اند؛ جمهوری اسلامی به این تفرقه در صفوف ما زنده است؛ تفرقه در خواست ها، در شعارها و در میان کارگران... فقط یک لحظه تصور را بکنید اگرکه طبقه کارگر ایران شعارهای واحد مبارزاتی اش را در صفوفش تثبیت کرده بود و کارگران کمونیست و مبارز و رهبران عملی جنبش کارگری در مقیاسی سراسری به هم بافته شده بودند، رژیم چگونه جرات می کرد دست روی کارگر فولاد بلند کند؟ چگونه جرات می کرد کارگر را شلاق بزند؟ چگونه جرات

میلیونها انسان تحت حاکمیت نظام اسلامی پایان دهیم و خلاص شویم؛ حتما ده ها میلیون از شهروندان خشمگین در این جغرافیا که قاطبه اهالی ایران را تشکیل می دهند خیلی سریع به حیات انسانی با رفاه اجتماعی بالا دست خواهند یافت؛ افسردگی را پشت سر خواهند گذاشت و به زندگی علاقمند خواهند شد و دارای "منافع واقعی ملی" و آرامش خیال خواهند شد! نظر شما چیست آقای رئیس؟

۴- یکشنبه ۱۳ خرداد ۵۰۰ تن از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در چهارمین روز متوالی اعتراضات خود، پس از راهپیمایی اعتراضی در خیابانهای اهواز، مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند. خبرها حاکی است که مزدوران نیروی انتظامی به کارگران حمله کرده اند و تعدادی از آنها را به شدت مجروح کرده اند. باید به این وضع خاتمه داد؛ باید مبارزات طبقه مان را متحد و هماهنگ کنیم؛ این لازمه تعرض جدی ما به دولت و طبقه حاکمه است. بدون سراسری کردن مبارزات

رویدادهای سیاسی ...

۳- رئیس انجمن آسیبشناسی اجتماعی ایران در گفتگو با ایلنا گفته است که ایران یکی از ۱۰ کشور نخست افسرده دنیا است و به تشخیص ایشان "خشم یکی از دلایل ایجاد افسردگی میان شهروندان است و فرهنگ و اعتقادات ایرانیان می تواند این خشم را کنترل کند".

من هم موافقم که ما باید "با فرهنگ و اعتقاداتمان" با خشم و افسردگی مقابله کنیم؛ بنابراین پیشنهاد می کنم که فوراً و بلاواسطه نظام اسلامی را، اعم از اصلاح طلب و قاتل و روشنفکر و هنرمند، که عامل اصلی تولید و بازتولید خشونت در جامعه اند و اقلیتی کوچک در میان "ما ایرانیان" هستند، به همراه صنف سرمایه دار و بازاری و آخوند (که شاید مورد علاقه آقای رئیس باشند و آنها را ملت واقعی می پندارند)، بفرستیم مریخ (نوشتم سرنگون کنیم، مبادا رئیس نازک طبع "ضد خشونت" ناراحت شود) و به جای یک حکومت سوسیالیستی درست کنیم و به خشونت و خشم و افسردگی جمعی

مرکز بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم